



علی یوزمغان | جوان

«**ف** در مسابقات تمام کسانی که از غرفه ایران دیدن می‌کنند و اختراعات را می‌بینند شگفت‌زده می‌شوند. اکثر کشورهای حوزه ما و حتی کشورهای اروپایی اختراعات بسیار ساده‌ای دارند که همه آنها جزو وسایلی است که باید باشند. در مقابل ما در ایران اختراعات بسیار خارق‌العاده‌ای داریم. حدود شش سال است که من متناوب در مسابقات جهانی حضور دارم و نزدیک به ۵۰ هزار مخترع را از نزدیک دیده‌ام ولی هر سال در مسابقات جهانی و مطرح دنیا اختراعات جدید و متعددی از ایرانیان عرضه می‌شود که همه را حیرت‌زده می‌کند»

روایت سجاد یعقوبی جوان ترین مخترع جهان از تلاش برای بهتر زیستن

اختراعات ما خارق‌العاده‌است

حتی اختراعات جوانان اروپایی ساده‌است اما اختراعات جوانان ایرانی همه جهانیان را شگفت‌زده می‌کند

■ مونا دهقان

یک برج فلزی ۳۵۸ متری در مسابقات ۲۰۱۵ سوئیس تر تبه سوسوم جهانی را به خوداختصاص داد؛ برچی که در قسمت بالا حرکتی دارد که وقتی به آن نگاه می‌کنید پدنه را نیز در حرکت می‌بینید. وقتی به این برج از فاصله ۵۰۰متری نگاه می‌کنید به طور منظم ماهیچه چشم منبسط و منقبض می‌شود. این برج نماد شناخته‌شده از صلح و سلامت است و در کشور دبی، برای

اکسیو ۲۰۲۰ک بزرگ‌ترین نمایشگاه کلکسیون شهرهای جهان است ارائه می‌شود. این اختراع افتخار این را دارد که در یونسکو به عنوان بزرگ‌ترین دستگاه گردشی جهان ثبت شود. نکته مهم در مورد این طرح آن است که با توجه به میزان ضعیفی ماهیچه چشم مدت زمانی که برای این کار در نظر گرفته می‌شود بسیار مهم است. اما مهمتر از همه عناوین و رتبه‌هایی که این اختراع کسب کرده، مخترع ایرانی آن است که این برج را طراحی

تولید انبوه آن بیشتر توضیح دهید.

این دستگاه شبیه لنز دوربین عکاسی است و برای رفع خستگی چشم به مدت پنج دقیقه ماهیچه‌های چشم را منبسط و منقبض می‌کندو با افزایش خونرسانی قرمزی و خستگی چشم را حذف می‌کند. این اختراع تأییدیه بسیاری از مسابقات گرفت و در حال حاضر تولید انبوه آن در کشور ترکیه شروع شده‌است.

ایده اختراع دستگاه تعیین مکان دقیق تومور از کجا نشأت گرفت؟

سال ۲۰۱۳ که سال اول رشته پزشکی را می‌گذراندم برای یادبذی‌به‌اتاق عمل رفته بودم. رئیس دانشکده پزشکی به دلیل اختراع‌های پزشکی که داشتم مرا به مسئول بخش جراحی بیمارستان معرفی کرد و از من خواست به دنبال رفع مشکلات و کمبودهای اتاق عمل باشم و بتوانم برای بهتر شدن روند جراحی اختراعی کنم. در مدت یک ماه که در آن قسمت بودم ایده‌های خوبی به ذهنم می‌رسید، مثلاً روزی در جراحی تومور سر خانمی به‌دلیل اینکه پزشکان مکان دقیق تومور را نمی‌دانستند مقدار زیادی از سر را باز کرده بودند و این باعث شد خونریزی زیادی ایجاد شود. دستگاهی طراحی کردم که به صورت سه‌بعدی کار می‌کرد و مختصات دقیق تومور را نشان می‌داد. با این دستگاه و به عنوان تنها نماینده ایران در مسابقات آمریکا در بخش پزشکی شرکت کردم و مقام اول را کسب کردم. بعد از این اختراع در مدت کشور سوئیس

که در این سطح و سلاج

اگر از نخبگان در کشورحمایت‌شود، رشد پیشرفت علمی ایران تصاعدی خواهد بود. در ایران ما جوان‌هایی داریم که استعدادهایی نهفته هستند و تا امروز خاموش مانده‌اند. من چون در جامعه‌ای هستم که همه دوستانت



هر جا که باشم و هر افتخاری کسب کنم، چون من دانشجوی کشور ترکیه هستم آنها علاقه دارند من را ترکیه‌ای معرفی کنند اما من حتی پیشنهاد اینکه بخواهم تبعه کشور ترکیه یا هر کشور دیگری باشم را تاکنون رد کرده‌ام و خود را متعلق به ایران و شهرستان ماکو می‌دانم

به جوانان هموطنان چیست؟

در جواب سؤال شما یک خاطره از یکی از استادانم تعریف می‌کنم که در کلاس به ما گفت یک کاغذ بردارید و روی آن بنویسید من امروز می‌میرم و به درب اتاق خود نصب کنید. اما همیشه با نگرش مثبت به آن نگاه کنید، نه با این نگاه که من امروز می‌میرم و همه چیز برایم تمام می‌شود. من هر روز که از خواب بیدار می‌شدم به این بر که نگاه می‌کردم و فکر می‌کردم شاید امروز همه چیز تمام شود و چه کاری می‌توانم بکنم، بهتر زمانبندی کنم، بیشتر در اختیار انسان باشم، مهربان باشم، عاطفی باشم، با وجدان بیشتری به کارهای خود بپردازم و کارهای خیرخواهانه انجام دهم. درسم را با اشتیاق بیشتری بخوانم و با انگیزه کارهایم را انجام دهم. حتی سعی می‌کنم تفریح و زمانی که به من خوش بگذرد. همه این کارها را طی دو هفته انجام دادم پس از آن هر وقت چشمم را باز می‌کنم به خودم می‌گویم من می‌میرم و این یک اتفاق عادی برایم شده‌است و حتی از مرگ هم ترسی ندارم ولی بسا دید مثبت به آن نگاه می‌کنم. این نوشته روی همه کارهایم عم از لباس پوشیدن، تفریح با دوستان، غذا خوردن و… تأثیر گذاشته‌است. این اتفاق باعث شده که در بعضی رفتارهایم مثل لباس پوشیدن تأثیر بگذارد و من سعی کنم همیشه بهترین لباس‌هایم را بپوشم و این در حدی است که مادرم از من برای تعویض چند دست لباس در روز گله دارد و چون من به این باور رسیدم‌ام امروز آخرین روز عمرم باشد پس بهتر است بهترین لباس‌هایم را بپوشم. این نوشته باعث شده من مدام با خودم بگویم امروز بهترین روز من است و هر روز من عید من است. من امروز فقط امروز زندگی می‌کنم، چقدر خوب است که امروز را با زمان‌بندی، انگیزه و پشتکار زندگی کنم.

امروز فقط امروز می‌توانم زندگی کنم و بهتر است از هر لحظه آن استفاده کنم و لذت ببرم.

یک خاطره دیگر هم تعریف کنم؛ روزی استادی می‌آید سر کلاس و یک استوانه شیشه‌ای، چند تا تخته سنگ، تعدادی سنگ متوسط، کمی شن و ماسه، یک لیوان چای می‌گذارد و به دانشجوها می‌گوید هر کس این استوانه را به بهترین شکلی که فکر می‌کند درست‌است بپر کند. هر یک از آنها به بهترین شکلی که خود فکر می‌کردند استوانه را پر می‌کنند. یکی اول لیوان چسای را می‌ریزد، دیگری اول شن و ماسه را است و این‌ها را برسد تک‌تکر شماز کاری که انجام دادید چیست؟ چرا استوانه را انظطور پر کردید؟ هر کس چیزی می‌گوید، استاد بر کردن استوانه را تحلیل می‌کند. تخته

مخترع، نخبه و اهل علم هستند می‌دانم که اگر در ایران از آنها حمایت‌شود چه کارهای مفیدی می‌توانند انجام دهند. به عین‌ه می‌توانیم ببینیم در مسابقات تمام کسانی که از غرفه ایران دیدن می‌کنند و اختراعات را می‌بینند شگفت‌زده می‌شوند. اکثر کشورهای حوزه ما و حتی کشورهای اروپایی اختراعات بسیار ساده‌ای دارند که همه آنها جزو وسایلی است که باید باشند. در مقابل ما در ایران اختراعات بسیار خارق‌العاده‌ای داریم. حدود شش سال است که من متناوب در مسابقات جهانی حضور دارم و نزدیک به ۵۰ هزار مخترع را از نزدیک دیده‌ام ولی هر سال در مسابقات جهانی و مطرح دنیا اختراعات جدید و متعددی از ایرانیان عرضه می‌شود که همه را حیرت‌زده می‌کند.

بزرگ‌ترین مشکل در ایران این است که بودجه مناسبی برای نخبگان و حمایت از علم در کشور تعریف نشده‌است. سازمان‌های حمایت‌از نخبگان هم بودجه مناسبی برای نخبگان ندارند که آنها را سازماندهی کنند. اما در مقابل در دانشگاه من در ترکیه و سه دانشگاه دیگر فقط ۲۵۰ میلیون دلار بودجه یک سال پروژه‌هایی‌است که برای اختراعات در نظر گرفته می‌شود که معادل ۸۰۰میلیارد تومان است. در ایران کمتر از یک هشتم این بودجه برای کل دانشگاه‌های کشور در نظر گرفته می‌شود و این رقم بسیار ناچیزی‌است.

تحقیق تان بگوید کدام خاطره را تعریف می‌کنید؟

از مسابقات سوئیس برگشته بودم و پدرم را دعوت کرده بودند و در دانشگاه (در استانبول) از من تجلیل می‌شد

وقتی از اتاق رئیس دانشگاه به سمت حیاط آمدیم دیدیم چند ماشين رسمی با اسکورت به حیاط دانشگاه وارد شدند و یک نفر از این اسکورت‌ها پیاده شد و پدر من را با خود به گوشه‌ای از حیاط برد و من در آن لحظه بسیار حیرت‌زده شدم. منشی رئیس دانشگاه از در دیگر ماشين پیاده شد و به من گفت سجاد ترنس ایشان وزیر بهداشت ترکیه هستند. وزیر بهداشت به سمت من آمد، پیشانی مرا بوسید و به من گفت: «از تو ممنونم که به بشریت خدمت کردی.»

تفاوت نوع تفکر این مرد برایم ارزشمند بود، در حالی که من نه تنها اهل ترکیه نبودم بلکه یک ایرانی هستم که همیشه با تأکید ملیتم را عنوان می‌کنم.

حتی در موردی دیگر زمان یادبذی از غرفه کشور چین در مسابقات از یکی از اعضا پرسیدم شما هزینه شرکت در این مسابقات اعم از بلیت، هتل و… را خودتان پرداخت می‌کنید؟ گفت نه! اگر طرح و اختراع ما مورد قبول دولتمان باشد از ما پاسپورتمان را می‌گیرند و بقیه کارهایمان به عهده مسئول و دولت است.

خاطرم هست زمانی که می‌خواستم برای مسابقات به امریکا سفر کنم، یک روز مانده به سفرم رئیس دانشکده‌ام در استانبول سر کلاس درس من آمدو به من باکتی داد که در آن پاسپورت، ویزا، بلیت رفت و برگشت، آدرس هتل اقامت، اسم کسی که به دنبالم برای همراهی می‌آمد، سیمکارت تلفن همراه، مقداری پول و تعدادی بروشور بود. من بسیار تعجب کردم چون هیچ‌وقت چنین کاری را تا حال ندیده بودم.

به عنوان یک جوان موفق ایرانی توصیه شما

خواهد بود، چون هر روز یکسری اتفاقات در حال وقوع است که از هدف‌های من بزرگ‌تر است. امکان دارد من به‌دست آوردن موقعیت و چیزی را بخواهم و تا زمانی که آن را به‌دست می‌آورم دیگر ارزشی نداشته باشد و به همین دلیل من هیچ حدی برای موفقیت خود نمی‌گذارم، چون به این فکر می‌کنم که با تلاش به موفقیت‌های بیشتری می‌توانم برسسم. من در رشته پزشکی تحصیل می‌کنم و دوست دارم در آینده کار رویتن و روزمره‌ای نداشته باشم و به این فکر می‌کنم که در اتاق جراحی اتفاقات را ببینم، تحقیق کنم و بتوانم برای سهولت در کار اختراعاتی داشته باشم.

برای شادابی و نشاط خود چه تفریحاتی دارید و چقدر این تفریحات باکیفیت هستند؟

من طبیعت را بسیار دوست دارم و بیشترین اوقات فراغتم را با دوستانم به طبیعت می‌روم، غذاهای سنتی می‌بزم و این کار را را به رفتن رستوران‌های شهری ترجیح می‌دهم. البته به ورزش‌هایی مثل فوتبال، بدنسازی، شنا و کوهنوردی نیز علاقه دارم و آنها را انجام می‌دهم.

جمله‌خواستن توانستن است چقدر در زندگی شما تأثیر داشته‌ و دارد؟

آینده همان است که ما می‌اندیشیم!

با پدر و مادرها حرفی دارید؟

من از پدر و مادر خودم بگویم که بسیار مرا در این راه حمایت کردند و تنها مسئله‌ای که باعث شد من بسیار پیشرفت کنم این بود که پدر و مادرم اجازه دادند من بیشتر ریسک کنم تا راه را یاد بگیرم و تجربه کسب کنم. من در دوران راهنمایی که شروع به اختراع و تحقیق کردم دانش آموز زرنگی بودم ولی هیچ وقت ۲۰گرفتن برای من و خانواده‌ام بسیار مهم نبود. آنها می‌گفتند ۲۰گرفتن را همه انجام می‌دهند و تو می‌تواند کارهای دیگری نیز انجام بدهی و این حرف باعث می‌شد نمره ۲۰گرفتن برایم معیار نباشد و حتی اقتدر با علاقه درس‌هایم را خواندم که اگر بخشی از کتاب زیست را از من سؤال کنند به صورت کاربردی آن را توضیح می‌دهم. اگر کسی مطلبی را برای نمره ۲۰ بخواند آن در حد همان امتحان است و پس از آن نمی‌تواند آن را به یاد آورد به این دلیل که من آن را کاربردی مطالعه نمی‌کنند. من تمامی کارهایم را با انگیزه انجام می‌دهم و هیچ وقت والدینم سرا مجبور سه کاری نکردند. آنها همیشه راه را برایم آزاد گذاشتند و اجازه دادند من ریسک کنم و خودم انتخاب کنم. مثلاً زمانی که در آغاز تحصیل طی سه‌ترم، سه دانشگاه عوض کردم، بسیار ریسک بزرگی کردم و آنها مرا در انجام



ف

بعد از مسابقات جهانی امریکا رئیس دانشگاهم پیشنهاد یک سخنرانی در نمایندگی سازمان ملل را برای اجرای کنفرانس به من داد. من در این کنفرانس اولین سخنرانی را در نمایندگی سازمان ملل در استانبول با عنوان نماینده دانشجویی خاور میانه و با موضوع ممنوعیت گسترش سلاح‌های شیمیایی و مضرات آن انجام دادم

سنگ‌ها نشان و جایی از پدر و مادر تان هستند، قله‌وه سنگ‌هاچای تحصیلات و کارهای روزمره‌ای هستند که باعث موفقیت شما هستند. شن و ماشه نشانانی از خانه و ماشين و مسائل اقتصادی برای شمامت و فتجان جای همان قهوه‌ای است

که شما برای تفریح کنار دوست خود می‌نوشید و اگر این اجزا را درست در استوانه نگذارید شاید مهم‌ترین اجزا که تخته سنگ و قله‌وه سنگ‌هاست بیرون بماند و بهتر است که همه اجزا از بزرگ‌ترین تا کوچک‌ترین آن به نحو مناسبی در استوانه جای بگیرند.

برای تشویق و موفقیت جوانان در رشته خود یا هر رشته‌ای پیشنهاد و راهکاری دارید؟ پیشنهاد شما برای اینکه آنها تشویق بشوند و خیلی زود از کاری که شروع کردند ناامید نشوند چیست؟

من وقتی کاری را شروع می‌کنم بسیار تلاش می‌کنم که بتوانم به هدف و پایان آن برسسم. جوانان بیشترین چیزی که باید در خود تربیت کنند همان انگیزه و پشتکار است. من کتابی تألیف و چاپ و در مدارس شهر ماکو توضیح کردم و مدیران مدارس هر روز به من زنگ می‌زدند، یا زمانی که ایران نبودم توسط فیسیوک و ایمیل به من خبر می‌دادند در این ترم که کتاب شما به دست دانش آموزان مدارس رسیده پیشرفت زیادی در تحصیل آنها دیده می‌شود. کتاب شما را همیشه در کیف خود دارن و می‌گویند شما هم یکی از ما بودید و در این مدارس درس خواندید پس مطمئناً ما هم می‌توانیم پیشرفت کنیم.

موفقیت‌های من هیچ‌وقت برایم آرزو نبودند و من دوست داشتم وسایلی جدید بسازم و علاقه و پشتکارم باعث شد موفقیت به‌دست بیآورم. مثل اینکه شما کاری را انجام می‌دهید و از آن انرژی مضاعف می‌گیرید و این انرژی باعث می‌شود شما کار دیگری را انجام دهید و حتی این بار موفق‌تر از دفعه قبل شوید.

از آن من می‌پرسند هدف‌ت در پنج سال آینده چیست؟ من می‌گویم هدفی ندارم! فقط می‌دانم آینده از شرایط فعلی خودم خیلی خیلی بهتر پیشتر است.